



دوشنبه بیستم آبان ۱۳۸۷ - دهم نوامبر ۲۰۰۸

کمیته پیگیری بازداشت‌های خودسرانه

کمیته پیگیری بازداشت‌های خودسرانه : نگرانی در مورد سلامت زندانیان

«کمیته پیگیری بازداشت‌های خودسرانه» هفدهمین اطلاعیه خود را منتشر کرد.

متن کامل اطلاعیه به شرح زیر است:

در اطلاعیه شماره ۱۷ کمیته پیگیری بازداشت‌های خودسرانه مطرح شد

نگرانی در مورد سلامت زندانیان

برخلاف موازین جهانی حقوق بشر و قوانین موضوعه کشور متأسفانه عملکرد برخی از مراجع قضایی و به‌خصوص دستگاه‌های امنیتی و انتظامی نشانگر آن است که نقض حقوق دادرسی عادلانه شهروندان ایرانی از مرحله بازداشت موقت گرفته تا صدور احکام مجازات و تأیید آنها در مراجع عالی قضایی بویژه در خصوص متهمان سیاسی و عقیدتی به امری عادی تبدیل شده و علیرغم تعهدات قانونی عملاً هیچ اراده‌ی قانونگرایی برای تضمین حقوق انسانی قربانیان بازداشت‌های خودسرانه در بعضی از این نهادها مشاهده نمی‌شود.

در عین حال پیگیری موارد بازداشت‌های خودسرانه و نقض موارد دادرسی عادلانه دو نگرانی عمده را پیش روی این کمیته قرار داده است: یکم؛ مطابق اصول بدیهی حقوقی و عقلی، مسئولیت حفظ سلامت بازداشت‌شدگان بر عهده مسئولان بازداشتگاه‌هاست. با این حال در سالگرد درگذشت مرحوم دکتر زهرا بنی‌یعقوب در یک بازداشتگاه غیرقانونی در همدان و درحالی که هنوز پرونده‌هایی از این دست چون مرگ مشکوک خانم زهرا کاظمی و اکبر محمدی در زندان اوین و ابراهیم لطف‌اللهی در زندان کردستان پس از گذشت چند سال بلا تکلیف بوده و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، یکی دیگر از زندانیان به نام «عبدالرضا رجبی» ۴۵ ساله دارای ۴ فرزند پس از تحمل ۷ سال حبس در حالی که در آخرین ملاقات وضعیت جسمی و روحی خوبی داشته در زندان به طرز مشکوکی فوت کرده است. این مساله نگرانی شدیدی را در مورد وضعیت سلامت جسمی و روانی بازداشت‌شدگان و زندانیان به‌وجود آورده است.

دوم؛ روند افزایش محکومیت‌ها بویژه صدور حکمی کم‌سابقه در چند سال اخیر یعنی ۱۷ سال حبس بدون سیر دادرسی عادلانه برای محمدعلی منصور که در پرونده به چند سفر قانونی به اروپا و عراق (با گذرنامه رسمی) اشاره شده و از آن «همکاری» با گروه‌های برانداز استنباط شده است. و همچنین افزایش محکومیت شهروندان مناطق کردنشین آشکارا نشان می‌دهد که احکام صادر شده برای این فعالان به شکل قابل توجهی نسبت به دیگر فعالان در سایر نقاط کشور سنگین‌تر بوده و شاهد صدور احکام بی سابقه‌ای در قبال فعالیت‌های حقوق بشری و مدنی اقلیت‌های قومی هستیم. به‌عنوان نمونه محکومیت حیات یوسفی دانشجوی دانشگاه کرمانشاه به ۱۳ سال حبس، ستار پرویزی دانشجوی کرمانشاه به ۱۶ سال هوشیار پیشدادی به ۱۰ سال و خلیل فاتحی به ۱۸ سال، وضعیت بحرانی و بی‌خبری از دو فعال کرد زندانی فرهاد حاج میرزایی و فرهاد وکیلی، تأیید حکم ۱۱ سال حبس برای محمدصدیق کیودوند تشکیل دهنده «سازمان دفاع از حقوق بشر» در کردستان و صدور حکم محکومیت «یاسر گلی» نمونه‌هایی شاخص از این تبعیض مضاعف می‌باشند.

علاوه بر موارد فوق مطابق گزارش‌های رسیده به این کمیته، موارد نقض حقوق دادرسی عادلانه در فاصله زمانی صدور اطلاعیه شماره ۱۶ (۲۴/۶/۸۷) تاکنون به این شرح بوده است:

۱- بازداشت خانم‌ها و آقایان مجتبی لطفی مسئول دفتر اطلاع رسانی بیت آیت الله منتظری، عشا مومنی از فعالان حقوق زنان در تهران بدون دسترسی به وکیل، نگین شیخ الاسلامی دبیر انجمن آذر مهر کردستان، مهران عباس‌زاده دبیر انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم تهران، امیرمحسن مجیدی دانشجوی دانشگاه میبد یزد، داریوش دانشور فعال فرهنگی در مشهد، سیاوش ساکی، مرتضی سپندار، امین صفاری و هادی ابازری چهار تن از دروایش در کرج، حمید نبوی چاشمی از فعالان حقوق زنان، صمد مولافلی دانشجوی دانشگاه آزاد شبستر از فعالان مدافع حقوق قومیت‌ها در آذربایجان، یاسر بهادری دانشجوی دانشگاه ایلام و جواد علیزاده دانشجوی اخراجی دانشگاه علامه طباطبایی. لازم به توضیح است اخیراً چند نفر از نامبردگان آزاد شده‌اند.

۲- محکومیت حمیده نبوی به یکسال حبس، امیر امیرقلی و سولماز ایگدر به ۶ ماه حبس تعلیقی به دلیل شرکت در مراسم خاوران، همچنین عطا باباخانی، سعید ترابیان، یعقوب سلیمی و علی زاده حسینی از اعضای سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد به ۶ تا ۱۴ ماه حبس تعلیقی، محکومیت‌های سنگین دانشجویی از جمله راشد عبداللهی و جمال رحمانی دانشجویان دانشگاه اصفهان به ترتیب به ۳ و ۶ سال حبس و محمد صالح ایوض دانشجوی دانشگاه تهران به ۴ سال.

۳- عدم بهره‌مندی ابوالفضل جهانداد و سعید درخشندی از حق آزادی مشروط و مرخصی فوری جهت تکمیل مراحل درمانی خارج از زندان، بلا تکلیفی و محرومیت محمدحسن فلاحیه‌زاده، روزنامه‌نگار خوزستانی از حقوق قانونی خود و انتقال سوال برانگیز سعید ماسوری از زندان اوین به‌جایی دیگر.

کمیته پیگیری بازداشت‌های خودسرانه ضمن یادآوری مجدد تعهدات بین‌المللی حاکمیت در مورد رعایت حقوق دادرسی عادلانه مندرج در میثاق حقوق مدنی - سیاسی که بر اساس ماده ۹ قانون مدنی در زمره قوانین داخلی نیز محسوب می‌شود و نیز حقوق زندانیان و بازداشت‌شدگان، وفق قوانین آیین دادرسی کیفری و حفظ حقوق شهروندی و همچنین آیین‌نامه زندان‌ها، اعتراض جدی خود نسبت به نقض این حقوق را اعلام داشته و بار دیگر نسبت به عواقب سوء نقض حقوق بشر توسط برخی از مسوولان حکومتی هشدار می‌دهد.

کمیته پیگیری بازداشت‌های خودسرانه

۲۰/۸/۸۷

جهت اطلاع و اقدام قانونی، رونوشت به :

- ۱- ریاست محترم قوه قضاییه
- ۲- رییس کل دادگستری استان تهران
- ۳- // // // // کردستان
- ۴- // // // // کرمانشاه
- ۵- // // // // آذربایجان
- ۶- // // // // قم
- ۷- // // // // اصفهان
- ۸- ستاد حقوق بشر قوه قضاییه
- ۹- هیات نظارت بر حفظ حقوق شهروندی
- ۱۰- ریاست دیوانعالی کل کشور
- ۱۱- دادستان کل کشور
- ۱۲- کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی
- ۱۳- کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی

کمیته گزارشگران حقوق بشر

نامه تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی خطاب به سازمان های بین المللی

شهریور ماه سال گذشته در پی برگزاری مراسم نوزدهمین سالگرد قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران اقدام به بازداشت گسترده ی شرکت کنندگان در این مراسم نمود. که در پی آن آقایان محمدعلی منصوری، علی صارمی، میثاق یزدان نژاد و علی نادری همچنان در بندند.

محمد علی منصوری ۴۷ ساله صبح روز ۱۱ شهریور ماه، ۲ روز پس از برگزاری مراسم، بازداشت شد. وی نزدیک به ۴ ماه در سلول های انفرادی تحت شکنجه های شدید روحی و جسمی قرار گرفت. در اولین دادگاه که در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۸۷ برگزار شد، اتهامات اولیه که پیرامون شرکت در مراسم بود، حذف گردید و اتهاماتی غیر واقعی و دروغین به وی نسبت داده شد که سرانجام پس از ۱۳ ماه بلاتکلیفی ناشی از بازداشت موقت غیر قانونی، حکم سنگین ۱۷ سال زندان به همراه تبعید برای وی صادر شد.

علی صارمی نیز در تاریخ ۱۴/۱۳۸۶ دستگیر و به مدت ۷ ماه در سلول های انفرادی تحت شکنجه های روحی و جسمی شدید قرار گرفت. دادگاه انقلاب در تاریخ ۲/۷/۱۳۸۷ اتهاماتی خودساخته به وی نسبت داده و اتهام شرکت در مراسم که دلیل اصلی بازداشت ایشان بوده را حذف نمود. اکنون پس از گذشت ۱۳ ماه، وی همچنان در وضعیت بلاتکلیفی به سر می برد و انتظار می رود که با حکم سنگین دادگاه انقلاب مواجه شود.

میثاق یزدان نژاد ۲۲ ساله، فعال دانشجویی در تاریخ ۱۹ شهریور سال گذشته دستگیر شد. وی نیز پس از سپری کردن ماهها سلول انفرادی همچنان در بازداشت موقت به سر می برد.

محسن نادری در تاریخ ۶/۱۳۸۶/۱۹ بازداشت شد و دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی وی را به یک سال زندان به جرم شرکت در مراسم قتل عام زندانیان سیاسی، محکوم کرد.

امسال نیز در پی برگزاری بیستمین مراسم سالگرد قتل عام، خانم حمیده نبوی که دارای فرزند ۵ ساله است دستگیر و به زندان اوین منتقل گردید. شایان ذکر است که فرزند ایشان بدون سرپرست است. وی نیز به ۱ سال زندان محکوم شده است.

ما اعضای خانواده های این زندانیان سیاسی از سرنوشت عزیزانمان به شدت نگرانیم و خواستار عکس العمل قاطع نهاد های حقوق بشری مبنی بر الغای کلیه ی احکام غیر انسانی علیه افراد مذکور و آزادی بدون قید و شرط آنان هستیم. هم اکنون در سالگرد فاجعه جنایت علیه بشریت به انتظار فجایی دیگر جگرگوشگانمان قربانی تکرار این فاجعه هستند.

فعالان حقوق بشر در ایران

استمداد خانواده آیت الله بروجردی برای تامین امنیت خود

بنابر گزارشات دریافتی از خانواده آقای بروجردی، شب گذشته مورخه ۱۸ آبان ماه، اتومبیلی تحت عنوان تاکسی در خیابان سپه شهر تهران اقدام به سوار نمودن سید مهدی کاظمینی بروجردی پسر ارشد آیت الله بروجردی می نماید و پس از کمی طی مسافت با استفاده از کیسه و کشیدن آن بر سر ایشان احتمالاً قصد ربودن ایشان را داشته اند که پس از درگیری در اتومبیل و منحرف شدن و برخورد با مانع با استفاده از تجمع مردم آقای سید مهدی کاظمینی بروجردی موفق به گریز از صحنه می شوند.

فرزند آقای بروجردی سابقه چندین بار بازداشت و شکنجه را دارا می باشند و پس از این واقعه خانواده آقای بروجردی به شدت مضطرب گردیده و استمداد خود را از کلیه نهادهای مدافع حقوق بشر برای تحت فشار قرار دادن حکومت ایران مبنی بر تضمین امنیت آنان اعلام می نمایند.

مدرسه فمینیستی

گزارش نشست نقد و بررسی لایحه مجازات اسلامی در کانون مدافعان حقوق بشر

در کانون مدافعان حقوق بشر نشست نقد و بررسی لایحه مجازات اسلامی که کلیاتش در مجلس به تصویب رسیده است، چهارشنبه ۱۵ آبان برگزار شد. در این جلسه اساتید دانشگاه و صاحب نظران حقوق از مناظرگوناگون لایحه مجازات اسلامی را مورد بررسی قرار دادند. ابتدا شیرین عبادی درباره این لایحه به ایراد سخن پرداخت. عبادی گفت: «فرق قانون با حکم زور چیست؟ غیر از اینکه قانون منطقی است و در پی ایجاد نظم و عدالت در جامعه است؟ برای این که قانون قانون شود چه باید کرد؟ ابتدا باید از کارشناسان مختلف دعوت کرد تا نظرات

خود را در باره قوانین بگویند، سپس نظرات مختلف جمع بندی شود. فرم نوشتن قانون هم بسیار مهم است. آن موقع برحسب امتیازات داده شده مجلس تصمیم گیری کند. مهم ترین موضوع در قانون کارشناسی بودن آن است. اما در ایران، قوانین ما کارشناسی نشده، بنابراین تضادهای زیادی در سیستم قضایی وجود دارد. یک قانون مخالف قانون دیگر است. بازنگری در قانون به همین دلیل است.»

عبادی افزود: «در قوانین کیفری بعد از انقلاب هویت انسانی را از زن گرفتند و تبدیل به یک موجود دست دوم، ناتوان و ناقص العقل شد. در حالیکه این موضوع نه از نظر عقلانی و منطق صحیح است نه علوم جدید و نه حتی شریعت. در کجا اسلام گفته دیه زن نصف دیه مرد است؟ آیا بین چشم مرد و چشم زن از نظر علمی تفاوتی وجود دارد که دیه متفاوتی دارند؟ در حالی که آیت الله صانعی، منتظری و بجنوردی در این زمینه فتوا به برابری داده اند. و در شریعت مقدس اسلام تاکید بر برابری زن و مرد است. بعد از ۲۵ سال دوباره همین موارد در قانون مجازات اسلامی ذکر شده است.» وی افزود: «اگر کسی می گوید این قوانین شریعت است با قاطعیت می گویم نیست. بلکه اینها تنها برداشت اشتباه از اسلام است و نتیجه فرهنگ مردسالار حاکم بر مشرق زمین است. چرا وقتی پای منافع خودمان مطرح است به فرمان مجتهدین عمل می کنیم و جایی که به نفع ما نیست گوش نمی کنیم؟ در جامعه ای که بیشترین تحصیل کرده هایش را زنان تشکیل می دهند چگونه زن را نصف مرد قلمداد می کنیم و شهادت دو زن را با یک مرد معادل می دانیم و یا بر برخی مواقع اصلاً شهادت زن را قبول نداریم آن هم در جرائمی مانند مساحقه که زنها مرتکب آن می شوند؟ بعد می گویم عمداً این شرط گذاشتیم تا ثابت نشود! پس چرا جرم حساب کردید؟» عبادی در انتها گفت: «آنچه ما می خواهیم اجرای صحیح فرمان خداست نه اجرای فرمان فرهنگ پدرسالار.»

دکتر نجفی، از اساتید جامعه شناسی کیفری دانشگاه شهید بهشتی، درباره لایحه جدید مجازات اسلامی گفت: «جامعه شناسی کیفری از حدود ۲۰ سال اخیر مورد توجه گرفته است و در حقیقت از بستر جامعه شناسی سوژه های قانون را مورد بررسی قرار می دهد. محیط های کیفری می تواند در تکرار جرم نقش داشته باشند. کیفیت قانون می تواند به گونه ای باشد که به جرم زایی دامن بزند. مثلاً ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی می گوید هرگاه مرد زنش را در حال زنا با مرد دیگری مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند. خوب این قانون جرم زاست چرا که بسیاری از مردان برای آنکه از دست زنانشان خلاص شوند با تمسک به این قانون آنها را می کشند. بنابراین این قانون به جرائم دامن می زند. قوانین کیفری، حیات اجتماعی هم دارند.» نجفی افزود: «کیفر با انتظارات، خواسته ها و نیازهای جامعه سنجیده شود. قانون برج عاج قانون گذار نیست. قانون گذار نباید در پشت درهای بسته به وضع قانون بپردازد. در تدوین قانون باید به واقعیات جامعه توجه شود. اگر قانونگذاران ما تحقیق کنند می بینند در بسیاری موارد قوانین با واقعیت جامعه ما فاصله دارد. از دو منظر می توان این لایحه را مورد بررسی قرار داد ۱. کیفرها ۲. جرائم. مثلاً در بخش مجازات ها باید ببینیم مجازات شلاق تا چه اندازه ای سبب عبرت دیگران می شود. یا بحث مسئولیت کیفری در ۱۳۳۸ قانون ما تا سن ۱۸ سال بریا کودک مسئولیت کیفری قائل نبود در حالیکه کنوانسیون حقوق کودک سال ۱۹۸۹ شکل گرفت. از یک طرف در این قانون گفته شده طفل کسی است که ۱۸ سال تمام خورشیدی ندارد از طرف دیگر در همین لایحه مجازات اسلامی مسئولیت کیفری ۹ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر لحاظ شده است. باید کارشناسی کنیم این سن چه مسائلی را برای جامعه ما بوجود می آورد. آیا قاضی در عمل دختر ۹ ساله را که به اتهام سرقت دستگیر شده باید حد کند یا نه؟ قاضی قانون را دور می زند تا عدالت را رعایت کند؟» وی در انتها گفت: «متأسفانه جامعه شناسی کیفری در لایحه مجازات اسلامی مغفول مانده است و قوانین ما صرفاً جنبه آزمایشی دارند.»

دکتر نوربها، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی، درباره این لایحه گفت: «من سختم را با سوال شروع می کنم. قانون چرا تغییر می کند؟ آیا خلاء قانونی وجود داشته است؟ آیا قانون فعلی ناکارآمد بوده است؟ یا شرایط جامعه تغییر کرده است؟ من می گویم هیچ کدام. چرا که هیچ تغییر ماهوی در این لایحه نمی بینیم. من فکر می کنم وقتی جریان دانشگاهی وارد قوه قضاییه شد این تغییرات را در حد توان خود در قانون اعمال کرده است. مقدمه قانون لایحه بسیار مدرن است و از حقوق بشر و شهروندی در آن سخن گفته شده است، اما ۲ دیوار بین کیفرهای بازدارنده و تعزیراتی و بخش حد کشیده شده است. تغییراتی در بخش اول بوجود آمده مثل اینکه محکومیت مالی سبب توقیف نمی شود. و مثلاً در شرب خمر قبلاً بعد از ۲ بار حد زدن بار سوم فرد اعدام می شد، اکنون به ۴ بار تغییر کرده است. اگر قانونی وجود دارد که نمی توان آن را اجرا کرد و سبب و هن اسلام است و بعد بخشنامه می دهید اجرا نشود مثل رجم، چرا اصلاً در قانون ذکر شده است؟ در انتها می پرسیم خطر شهرام جزایری بیشتر است یا خطر کسی که از بد حادثه از دیوار خانه ای بالا رفته است درباره اولی بیشترین ارفاقات را اعمال می کنیم درباره دومی خیر؟ آیا این قانون با عدالت انطباق دارد؟»

خانم صدیقه وسمقی، دکترای فقه و الهیات و استاد دانشگاه تهران، از منظر فقهی لایحه مجازات اسلامی را مورد نقد و بررسی قرار داد. وسمقی گفت: «بر ۳ مبنا این لایحه به ویژه بخشی را که تحت عنوان مجازات اسلامی ذکر شده را مورد بررسی قرار می دهم. ۱- آیا سنت قول و فعل و تقریر پیامبر از بعد پیامبری اوست یا تمامی اقوال و رفتار و تقریرات پیامبر چه در بعد پیامبری چه از بعد یک انسان عادی. تعریف گسترده از سنت ما را دچار مشکل می کند. چرا که ما باید از پیامبر به سبب پیامبر بودنش اطاعت کنیم، نه زمانی که مانند یک انسان عادی رفتار می کند. باید توجه داشته باشیم در زمان پیامبر مواردی عرف بوده و پیامبر مطابق آن عمل می کرده است. بنابراین ما هم عقلاً باید مطابق عرف زمان خود عمل کنیم. مثلاً در مورد دیه، آن زمان گاو و گوسفند اقلامی رایج بوده است پس دیه را هم بر اساس آن تعیین می کرده اند. ولی مثلاً الان حله یمنی که از موارد دیه است، دیگر وجود ندارد یا در هم و دینار. پس الان این موارد موضوعیت ندارد. خوب چرا در قانون ذکر می کنید از همان اول بنویسید هر سال با توجه به تورم قوه قضاییه میزانی را برای این مسئله تعیین می کنند. ۲- فقها و اصولیون تبعیت از پیامبر را در هر حال واجب می دانند حتی اگر عملی را پیامبر انجام داده که مباح بوده می گویند آن عمل بر ما واجب است. این افراط گرایی است. ۳- آیا احکام شرعی با فرض قبول دو مبنای دیگر (تعریف سنت و وجوب تبعیت از پیامبر) که برای مسلمانان اولیه بوده است برای ما در این زمان واجب است یا نه؟ در اینجا مباحث بسیاری مطرح است ... به نظر من (عقلاً و شرعاً) باید احکام را به دو دسته عبادی و غیر عبادی تقسیم کنیم در بخش عبادی تغییرات ماهوی روی نداده است. با توجه به تعریف انسان، جایگاه انسان و ... تغییر نکرده است. اما در بخش غیر عبادی قوانین اجتماعی (مدنی و جزایی) عقل هم حکم می کند، خصوصیات زندگی مردم در این زمان را در نظر بگیریم نه جامعه بدوی ۱۴۰۰ سال پیش را.»

وسمقی اضافه کرد: «از آنجایی که احکام برای غیر قابل مخاطب مطرح نیست مگر در عبادات. بنابراین من فقط به دلایل عقلی می پردازم. هدف از قانون گذاری اجرای عدالت و نظم اجتماعی است. هیچ یک از عقلاً در این زمینه اختلاف نظر ندارد. آیا در شرایط متفاوت در ۲ جامعه متفاوت قانون یکسان می تواند اهداف ذکر شده را محقق کند؟ احکام باید در نظر عقلاً پسندیده باشد و فضائل اخلاقی را در نظر بگیرد، فسادآور نباشد. اگر در قانون احتمال مفسده می رود نباید به قانون راه یابد آن هم در مجازات اسلامی. معتمد سهل انگاری و سطحی نگری زیادی نسبت به احکام شرعی در این لایحه وجود دارد.»

آخرین سخنران، دکتر سیف زاده، عضو کانون مدافعان حقوق بشر بود. وی گفت: «آیا لایحه مجازات اسلامی تاکنون سبب کاهش جرم و خشونت در جامعه شده است یا برعکس؟ احکامی نظیر شلاق، اکتایه و لگن گردن متهم انداختن از مصادیق بارز شکنجه و هتک حرمت انسان است. از منظر عقلای دنیا اعدام سبب کاهش جرم نمی شود.» وی گفت: «این لایحه با قانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر که ما آن را پذیرفته ایم مغایرت دارد. از منظر فقه مجتهدی به من گفت با توجه به اوفوابعهود برای متعهدین اجرائش تعهد شرعی دارد. از طرف دیگر عقلا امروزه به جای اعدام دنبال مجازات های بازدارنده هستند. از منظر فقه اجرای احکام اسلام جز در زمان وجود امام معصوم جایز نیست این یعنی تعلیق بنا بر این از منظر فقهی هم این مجازات ها نباید اجرا شوند به غیر از اینکه این مجازاتها اصلا اسلامی هم نیستند.» سیف زاده افزود: «آیت الله خمینی معتقد بودن در اجرای احکام اسلامی باید به مصلحت جامعه توجه شود. ایرادی که بر این نظر وارد است این که فقه را دولتی می کنند و حکومتها هم احکام را بر اساس مصلحت خودشان اجرا یا تعطیل می کنند.»

مریم رحمانی

روزنامه کارگزاران

انتقاد انجمن صنفی روزنامه‌نگاران از توقیف «شهروند امروز» و «ارژنگ»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران به دلیل توقیف نشریه‌های «شهروند امروز» و «ارژنگ» بیانیه‌ای صادر کرده و در آن از هیات نظارت بر مطبوعات انتقاد کرده است. در این بیانیه آمده است:

اصل نهم قانون اساسی صراحت دارد: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» متأسفانه به‌رغم این صراحت هر از گاهی شاهد اقدامات و برخوردهایی از سوی برخی نهادهایی که خود باید پاسدار قانون اساسی و اجرای آن و دفاع از حقوق و آزادی‌های شهروندی و به‌ویژه مطبوعات و روزنامه‌نگاران باشند، هستیم که جز عدول از اجرای قانون و پایبندی به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی نامی بر آن نمی‌توان نهاد که توقیف و لغو امتیاز سریالی مطبوعات در سال‌های اخیر در زمره اینگونه اقدامات و برخوردهاست.

بررسی و ارزیابی عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات در دوره دولت نهم و از زمانی که به‌طور کامل در اختیار یک گرایش فکری و سیاسی قرار گرفته است را به فرصتی دیگر وامی‌نهیم اما همانگونه که در موارد دیگر نیز یادآور شده‌ایم نحوه نگاه و برخورد این هیات به مطبوعات متکی بر نگاهی بدبینانه و سخت‌گیرانه و تنگ‌نظرانه است و از این‌رو توقیف و لغو امتیاز نشریات توسط این هیات به امری عادی تبدیل شده و به‌طور کلی استقلال حرفه‌ای و امنیت شغلی را در این حرفه به خطر انداخته است و روزنامه‌نگاران دیگر نمی‌دانند چه باید بکنند که نگران فردای کاری خود نباشند و با در بسته محل کار و تامین معاش خود روبه‌رو نباشند؟ آیا اعضای هیات نظارت بر مطبوعات بر این اندیشه نمی‌کنند که چه زحمات و تلاش‌هایی به‌کار بسته می‌شود تا یک نشریه بتواند مخاطب بیابد تا سرپا بماند و روزنامه‌نگاران از راه تولید خبر و گزارش و فکر و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به جامعه ضمن انجام مسوولیت و رسالت اجتماعی خویش از این راه تامین معاش نمایند؟ و اگر اندیشه می‌کنند پس چگونه است که به آسانی حکم توقیف و لغو امتیاز نشریات را صادر و عده‌ای روزنامه‌نگار را بیکار و خانه‌نشین می‌سازند؟ از تداوم این روند چه سود و فایده‌ای نصیب مردم و نظام سیاسی می‌شود؟

جالب آنکه تلاش می‌شود که همه این اقدامات سخت‌گیرانه نسبت به مطبوعات و روزنامه‌نگاران با مواد قانون مطبوعات (و البته قبلا قانون اقدامات تأمینی و تربیتی) توجیه و اعلام شود و این در حالی است که همین قانون تاکید دارد که اگر هیات نظارت بر مطبوعات به توقیف نشریه‌ای مبادرت کرد باید ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید، الزامی قانونی که تاکنون هرگز توسط این هیات رعایت نشده و تحقق نیافته است و در عمل تعطیلی دائمی نشریات توقیف شده و بیکاری روزنامه‌نگاران شاغل در آنها را در پی داشته است و ظاهراً این هیات هرگز خود را پاسخگوی بیکاری این افراد و همچنین خسارات ناشی از آن نمی‌داند.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران همواره نهادهای مرتبط با مطبوعات و مسوولان دست‌اندرکار را به رعایت قانون و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و به‌ویژه آزادی مطبوعات و جریان اطلاع‌رسانی دعوت کرده است و مطالبه و خواسته‌های بیش از این نداشته و ندارد اما متأسفانه در این سال‌ها و به‌طور مکرر و خستگی‌آور با استناد شکلی به برخی مواد قانونی آزادی مطبوعات و استقلال حرفه‌ای و امنیت شغلی روزنامه‌نگاران مورد حمله و خدشه واقع شده و تقریباً دیگر جایی برای فعالیت‌های آزاد مطبوعاتی و قدرت مانور روزنامه‌نگاران باقی نگذاشته است و این نهاد تداوم این روند را به نفع کشور و ملت و نظام نمی‌داند چراکه وقتی قدرت نظارتی مطبوعات از آنها سلب شود جز افزایش فساد و استبداد و... چه حاصلی به‌بار می‌آید؟ از این‌رو انجمن توقیف نشریه «شهروند امروز» و لغو امتیاز هفته‌نامه «ارژنگ» را فاقد وجهت قانونی دانسته و آنرا نادرست ارزیابی می‌نماید و از هیات نظارت بر مطبوعات خواستار تجدیدنظر در اینگونه تصمیمات و نگاه خوشبینانه و آزادیخواهانه نسبت به مطبوعات هستیم.

خبرگزاری انتخاب

اعظم طالقانی: این جوان (احمدی نژاد) خیلی مانده تا پیر شود! خاتمی، ساختار شکن نیست، نباید!

اعظم طالقانی فرزند آیت الله طالقانی گفت: «از آنجا که خاتمی ساختار شکن نیست نباید بهتر است. حتی نظر خود بنده هم همین است. اعظم طالقانی» یکی از قدیمی ترین سیاستمداران زن ایرانی و نخستین زنی است که در تاریخ ایران برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری اعلام کاندیداتوری کرده. پدرش آیت الله طالقانی یکی از پیشگامان انقلاب اسلامی ایران بود.

طالقانی خود را «فعال حقوق زن، اصلاح طلب و منتقد سیاسی» می‌داند. وی در عین حال ریاست یکی از انجمن های زنان ایران را هم به عهده دارد. اگرچه نشریه او توقیف شده، طالقانی در نشریه های مختلف به بیان دیدگاه هایش می‌پردازد. وی می‌گوید «با وجود داشتن نوه و ناراحتی جسمانی ای که راه رفتنش را با دشواری روبرو کرده، گوشه نشینی اختیار نکرده است.»

اعظم طالقانی» که برای سخنرانی در دانشگاه شیراز حضور یافته بود، تصریح کرد: «آقای احمدی‌نژاد برای نظرات مردم ثابت کن ارزش قائلی، سپس نظرات آن‌ها را بخواه. من واقعاً نمی‌دانم این جوان گویا خیلی مانده تا پیر شود.»

به گزارش خبرنگار خبرگزاری انتخاب، طالقانی که در دانشگاه شیراز سخنرانی می کرد، در ابتدای سخن خود با اشاره به ۱۶ آذر و ۱۳ آبان از جنبش دانشجویی به عنوان جریانی پیشتاز یاد کرد و نظارت دانشجویان را چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی امری تثبیت شده برای خود به خصوص در دوره دولت احمدی نژاد خواند.

«دبیر کل جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی» به عنوان مقدمه بر تداوم حرکت نسل جوان همراه با نقادی، مطالعه و نظارت تاکید کرد و از نقش جامعه‌ی مدنی سخن گفت: «نظارت از اهم رفتارهای جامعه‌ی مدنی محسوب می‌شود. در نظارت امروز، دولت مطلوب مطرح نیست، بلکه مسأله‌ی مهم‌تر جامعه‌ی مدنی و جامعه‌ی مطلوب است که در صورتی که خود تشکیل ندهیم، دیگران بر ایمان تشکیل می‌دهند. در جامعه‌ی مدنی، گروه‌های داوطلب، آسیب‌ها و مشکلات جامعه را بررسی می‌کنند و از نشریات و کتاب‌ها و رسانه‌ها، به عنوان ابزارهای آگاهی‌بخش خود استفاده می‌کنند. اگر آگاهی و شناخت حقوق انجام شود، به جامعه‌ای مطلوب خواهیم رسید.»

مدیر مسئول مجله‌ی توقیف‌شده‌ی «پیام هاجر» با بیان این که در جامعه‌ی سیاسی احزاب قدرت ندارند، تحقق جامعه‌ی مدنی را امری مهم برای از بین بردن نابرابری‌ها و رسیدن به یک توازن بین مردم و دولت خواند و از دانشجویان خواست با تشکیل NGOها و تشکیلات منسجم‌تر از حقوق مردم ایران در مجامع بین‌المللی دفاع کنند.

اما طالقانی تسخیر سفارت آمریکا را این‌گونه تحلیل کرد: «در انقلاب اسلامی اکثریت مردم ایران تنها براندازی رژیم شاهنشاهی را مقصد نهایی خود می‌دانستند و یک سیستم مناسب برای جایگزین کردن در نظر نداشتند. آینده برای مردم ایران مشهود نبود. در صورتی که شرایط یک انقلاب خوب آگاهی فرد به فرد جامعه است.»

تسخیر سفارت گرچه یکی از سمبل‌های مبارزه و نوعی از مقاومت بود، اما از آنجا که در ارتباط با سیاست جهانی و سیاست خارجی کشور بود، پیامدهای زیادی برای کشور داشت. تسخیر سفارت از جریانات سیاسی مختلفی تاثیر پذیرفت و یک جریان سیاسی خاص دانشجویان را هدایت نمی‌کرد. این حرکت به دلیل طولانی شدن آن زیان‌های زیادی برای کشور به دنبال آورد. این‌که عده‌ای دانشجو در برابر یک قدرت ایستادند، نفس مهم بود اما باید در همان ۴۸ ساعت اول جمع می‌شد. به مرور زمان نیز گروه‌های مختلف به دلیل تداوم آن، با این حرکت مخالفت کردند و عکس‌العمل مردم آمریکا نیز در برابر این حرکت امری طبیعی بود.»

وی همچنین عذرخواهی از مردم آمریکا در ماجرای تسخیر سفارت را نشانه‌ی تدبیر دولت‌مردان ایران خواند و آن را امری مهم در پیشبرد سیاست خارجی ایران و احقاق حقوق از دست‌رفته‌ی مردم ایران دانست.

در ادامه‌ی جلسه، یکی از دانشجویان نظر «دبیر کل جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی» را در مورد اتفاقات سال گذشته پرسید که ۸ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه صنعتی شیراز به اتهام بدحجابی یک روزه با تماس تلفنی به کمیته‌ی انضباطی فراخوانده شدند و همچنین اتفاق مشابه آن برای ۵۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه شیراز که منجر به اخراج ۳ نفر از آن‌ها شد.

طالقانی با بیان این‌که من خود پوشش انتخابی بوده و هیچ‌کس مرا مجبور نکرد افزود: «به این موضوع اعتقاد ندارم که اگر پوشش داشته‌باشم خوب و اگر نداشته‌باشم بد. از مسئولین دانشگاه‌ها تقاضا می‌کنم به هیچ‌وجه دختران خوب و پاکدامن ما را زیر سوال نبرند و آن‌ها را تنها به این دلیل که دو تار موی آن‌ها بیرون است از تحصیل محروم نکنند. من واقعاً از این موضوع متأسفم. درد من از این است که فکر نمی‌کنیم و عمل می‌کنیم. باید خوب ببینیم که به چه نحوی برنامه‌ریزی کنیم و به جوان‌هایمان کمک کنیم. حس مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها تقویت کنیم. به او بگوییم که این نفت، ثروت ملی، معادن، مال توست. نه این‌که چون ببیند هیچ جایگاهی ندارد بگوید به خدا پناه می‌برم.»

طالقانی همچنین در کنار انتقاد از عملکرد نیروی انتظامی در مورد مسأله‌ی حجاب خانم‌ها گفت: «حتی آن‌هایی که پوشش هم در واقع ندارند نیروی انتظامی حق بازپرسی و دستگیری آن‌ها را ندارد.»

در ادامه «دبیر کل جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی» در پاسخ به نظرخواهی دانشجویی در رابطه با این بند از قانون اساسی که نامزدها و کاندیداها باید از رجال باشند، عنوان کرد: «در دنیای امروز جنسیت مطرح نیست. صلاحیت به توانایی‌هاست. آن چیزی که هست آقایان از به قدرت رسیدن خانم‌ها می‌ترسند. این را به راحتی خانم‌های اصولگرا هم می‌گویند. خانم صفاتی کاندیدای مجلس خبرگان می‌شود، از محل ثبت‌نام تا خانه به او تماس گرفته می‌شود که از کاندیداتوری خود انصراف بدهد. حرف اصلی ما این است، خدا در قرآن جنسیت برایش مهم و مطرح نیست. شما چه کاره‌اید؟»

اما بخش دیگری، طالقانی در مورد انتخابات آینده دو نظر را مطرح دانست و چگونگی انتخابات را با محوریت حضور خاتمی پاسخ گفت: «دو نظر مطرح است. اول آن‌که از آنجا که خاتمی ساختارشکن نیست نباید بهتر است. حتی نظر خود بنده هم همین است. دوم آن‌که اگر خاتمی بیايد حداقل یک فضایی باز می‌شود برای بعضی از مسائل. در دوره‌ی خاتمی به سازمان‌ها و NGOها یارانه داده می‌شد و ابزارهای جامعه‌ی مدنی داشت فراهم می‌شد. خاتمی اولین کسی بود که از جامعه‌ی مدنی سخن به میان آورد.»

دبیر کل جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی تاسیس صندوق ذخیره‌ی ارزی، بیرون کشیدن مرکز ثقل وزارت اطلاعات و بها دادن به احزاب را از کارهای مهم خاتمی خواند.

بخش پایانی سخنان طالقانی اشاره‌ای به مشکلات اقتصادی کشور بود که آن را ناشی از دو بخش سیاست کلی کشور و سیاست شخص احمدی‌نژاد دانست.

فرزند آیت‌ا... طالقانی در مورد سیاست‌های احمدی‌نژاد افزود: «آقای احمدی‌نژاد یک‌ممتاز است. تصمیم می‌گیرد این آقا را بر دارد، آن را جایگزین کند و... از طرفی برای رفع مشکلات اقتصادی کشور نامه به اقتصاددانان می‌نویسد و با آن‌ها جلسه می‌گیرد و از طرف دیگر باز هم کار خود را می‌کند.»

وی با بیان این‌که مردم آلت دست شما نیستند اضافه کرد: «آقای احمدی‌نژاد برای نظرات مردم ثابت کن ارزش قائلی، سپس نظرات آن‌ها را بخواه. من واقعاً نمی‌دانم این جوان گویا خیلی مانده تا پیر شود.»

حسن حداد، معاون امنیت دادرسی عمومی و انقلاب تهران گفته است که عشا مومنی دانشجوی ایرانی - آمریکایی که بیست و چهارم مهر در تهران دستگیر شده، به محض سپردن وثیقه آزاد می‌شود.

آقای حداد به ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران، گفته است که با توجه به اتمام تحقیقات مقدماتی از عشا مومنی، با تودیع وثیقه صادره، او "طی یکی دو روز آینده" آزاد خواهد شد.

معاون امنیت دادسرای عمومی و انقلاب تهران، اتهام خانم مومنی را "تبلیغ علیه نظام" عنوان کرده است. پیش از این نیز علیرضا جمشیدی، سخنگوی قوه قضائیه ایران، اتهام خانم مومنی را "اقدام علیه امنیت ملی" توصیف کرده بود. آقای جمشیدی این موضوع را ۲۱ روز پس از بازداشت خانم مومنی اعلام کرد. عشا مومنی، ۲۸ ساله، دانشجوی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا نورتریج و از اعضای "کمپین یک میلیون امضا" است، که در ابتدا به دلیل تخلف رانندگی در تهران دستگیر شد، اما سپس به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. بنابه گزارش ها مقام های امنیتی محل سکونت او را بازرسی و بخشی از تعلقات او را از جمله فیلم هایی که بخشی از پروژه مطالعاتی او بود، ضبط کرده اند. پیشتر آمریکا اعلام کرده بود که از طریق سفارت سوئیس در تهران که حافظ منافع این کشور در ایران است، پیگیر سرنوشت تبعه بازداشت شده خود شده است. خانم مومنی که عضو کمپین یک میلیون امضا است، برای تحقیق دانشگاهی خود که موضوع آن "حقوق زنان" است، به ایران آمده است. فعالان حقوق زن در ایران در سال های اخیر با برخوردهای مکرر سازمان های امنیتی و قضایی ایران مواجه شدند و ده ها تن از آنها بازداشت شده اند. اکثر این افراد چند روز پس از بازداشت آزاد شده اند. کمپین یک میلیون امضا، طرحی اجتماعی است که شماری از فعالان حقوق زنان در داخل ایران از روز ۵ شهریور سال ۱۳۸۵ به راه انداخته اند. بنابر گزارش ها، اخیرا از سفر سوسن طهماسبی، از دیگر اعضای این کمپین به آمریکا در فرودگاه امام خمینی تهران، جلوگیری شده است. خانم طهماسبی گفته که برای سفری شخصی عازم آمریکا بوده است. به گفته آنها هدف این طرح جمع آوری دستکم یک میلیون امضا در حمایت از رفع تبعیض های قانونی علیه زنان است.

تشکیل یک نهاد امنیتی جدید در تهران

BBC PERSIAN.com

مرتضی تمدن، استاندار تهران از تشکیل شورای جدیدی در تهران با نام "شورای تأمین امنیت" خبر داده است. آقای تمدن به خبرگزاری فارس گفته است: "این شورا از سیزده شورای تأمین امنیت شهر و استان تهران با هماهنگی و انسجام نهادها شکل گرفته تا مشکلات امنیتی را حل کند." مقام های تهران در حالی از تشکیل شورای تأمین امنیت خبر داده اند که پیش از این شورایی به نام "تأمین استان" در استانداری های کشور از جمله تهران وجود داشته است. وظیفه این شورا تأمین امنیت شهر از طریق هماهنگی با نهادهای انتظامی و امنیتی است. استاندار تهران مشخص نکرده که وظیفه اصلی شورا تازه تشکیل شده چیست اما گفته است که "نباید منتظر باشیم فقط دستگاه های امنیتی، تأمین امنیت را انجام دهند، برقراری امنیت در امور اقتصادی و فرهنگی هم به همان اندازه در جامعه تأثیرگذار و مهم است." آقای تمدن، تشکیل شورای امنیت تهران را در مراسم آغاز عملیات نیروی انتظامی در این شهر اعلام کرده است. نیروی انتظامی در اقدامی کم سابقه، از دوشنبه بیستم آبان، یک رزمایش شهری شش روزه را در سطح شهر تهران با عنوان "رزمایش امنیت و آرامش در شهر تهران" برگزار می کند. ۳۰ هزار نیروی پلیس با ۴ هزار خودرو، این عملیات را برگزار می کنند. نیروی انتظامی از شهروندان تهرانی خواسته به علت برگزاری این مانور، از آوردن وسایل نقلیه شخصی به خیابان ها در روز پنج شنبه که ترافیک تهران معمولا سنگین تر از دیگر روزها می شود، خودداری کنند. برگزاری چنین رزمایش شهری بزرگ و گسترده ای از سوی نیروهای پلیس در ایران بی سابقه است. این رزمایش در ۱۰ مسیر برگزار می شود و خیابانها و اتوبانهای اصلی شهر تهران را در بر می گیرد. به گفته سرتیپ عزیزالله رجب زاده فرمانده انتظامی تهران، "تمامی کارکنان و پرسنل نیروی انتظامی در تهران بزرگ با یکدیگر هم قسم شده اند تا با اجرای طرح های مستمر، امنیت و آرامش را به شهر تهران بازگردانند." عملیات امداد و نجات، مقابله با اقدامات امنیتی، مقابله با بحران های احتمالی، تشدید حراست از مراکز استراتژیک، حفاظت از اموال مردم، انتقال سریع نیرو از سایر استانها به تهران، و تمرین هماهنگی بین سازمانهای وابسته به این رزمایش از جمله بخشی های اجرایی این عملیات شش روزه عنوان شده است.

کانون مدافعان حقوق بشر اعدام چهار نوجوان را محکوم کرد



کانون مدافعان حقوق بشر در ایران که شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل یکی از اعضای آن است، اعدام چهار نفر را که در هنگام ارتکاب جرم زیر هجده سال داشتند، محکوم کرد. در گزارش سه ماهه ای این کانون درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، به اعدام رحمان شهیدی و حسن مظفر در بندر بوشهر، رضا حجازی در اصفهان و بهنام زارعی در شیراز اشاره شده است. قوه قضائیه جمهوری اسلامی بین اعدام و قصاص تفاوت قائل می شود و می گوید که این جوانان نه اعدام بلکه قصاص شده اند. ایران از امضاء کنندگان کنوانسیون حقوق کودک است که اعدام مجرمان نوجوان را منع می کند.

مانور ۳۰ هزار نفری در خیابان های تهران



بهر روز کارونی

مانور یک هفته ای نیروی انتظامی در شهر تهران به نام «مانور امنیت و آرامش» از روز دوشنبه آغاز شد. قرار است این مانور با شرکت ۳۰ هزار مامور نیروی انتظامی، پلیس افتخاری، پلیس یاران و نگهبانان محله، ۵۰ هلی کوپتر و هزاران وسیله نقلیه، با رژه های دو و نیم کیلومتری در خیابان های تهران برگزار می شود.

اما این مانور به تهران محدود نخواهد شد. اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی ایران، روز دوشنبه با اشاره به این که این مانور در استان‌های دیگر نیز اجرا خواهد شد گفت: «پلیس برای بالا بردن توانایی‌های خود تا پایان امسال و سال آینده بنا به موقعیت جغرافیایی و امنیتی هر استان اقدام به اجرای مانور می‌کند.»

در مورد اهداف برگزاری این مانور مطالب متفاوتی گفته شده است.

در این ارتباط، عزیزالله رجبزاده، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، برخی موارد همانند «مقابله با اقدامات تروریستی و بحران‌های اجتماعی، حفظ نظم و امنیت، تمرین و حفاظت از اموال مردم، انتقال سریع نیروها از سایر استان‌ها به تهران، حفاظت از مراکز حساس و مهم، کمک‌رسانی به مردم آسیب‌دیده با همکاری سازمان‌های خدماتی و امدادی و مقابله با عناصر فرصت‌طلب» را ذکر کرده است.

اما با نزدیکتر شدن زمان برگزاری مانور، اهداف امنیتی آن، در سخنان مقام‌های نیروی انتظامی کمرنگتر شد، تا جایی که مهدی محمدی‌فر، معاون پارلمانی و حقوقی نیروی انتظامی، روز یکشنبه گفت: «هدف از مانور امنیت، مقابله با حوادث طبیعی و اجتماعی و احیانا تهدیدات امنیتی است.»

همچنین سرهنگ محسن خانچرلی، معاون عملیات پلیس تهران بزرگ، روز یکشنبه گفت: «این مانور در جهت برقراری امنیت و بررسی نقاط ضعف و قوت پلیس در رابطه با مقابله و وقوع بلایای طبیعی برگزار می‌شود.»

«هدف نهایی ایجاد فضای وحشت است»

اما بهروز خلیق، فعال سیاسی در آلمان، معتقد است که این مانور تنها جنبه امنیتی دارد و هدف نهایی آن ایجاد فضای رعب و وحشت بین مردم ناراضی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

وی در این مورد به «رادیو فردا» گفت: «جمهوری اسلامی به شدت نگران آن است که به جهت افت قیمت نفت، بحران اقتصادی، افزایش بیکاری، فقر و شکاف طبقاتی در شهرهای مختلف ایران، به ویژه تهران، مردم در اعتراض به خیابان‌ها بریزند و شورش‌هایی انجام بگیرد. از همین جهت، نیروی انتظامی، بسیج و سپاه تلاش زیادی برای آمادگی برای مقابله با چنین شورش‌هایی انجام داده‌اند.»

آقای خلیق در این زمینه اشاره کرد که حدود ۲۵۰۰ گردان عاشورا و الزهرا به همین منظور در ایران تشکیل شده‌اند.

مهران براتی، تحلیل‌گر سیاسی در آلمان، نیز با آقای خلیق موافق است و می‌گوید این گونه مانورها بیشتر جنبه سیاسی دارند.

وی به رادیو فردا گفت: «در ماه‌های اخیر نقض حقوق بشر در ایران گسترش پیدا کرده، سرکوب دانشجویان تشدید شده و برخورد با کارگران شدت یافته است. در همین ارتباط، می‌توان گفت که در چنین مواقعی، رویکرد اصلی چنین مانورهایی، مخالفین هستند.»

پیش از این نیز مانورهای کوچکتر و با اهداف محدودتر در سطح شهر تهران برگزار شده بود. از جمله، مبارزه با اراند و اوباش، تهدیدکنندگان امنیت اجتماعی، و توزیع‌کنندگان مواد مخدر.

به گفته مقام‌های نیروی انتظامی و قضایی ایران، در پی این عملیات صدها نفر بازداشت و شمار قابل توجهی نیز اعدام شدند.

چنین برخوردهایی با اعتراض سازمان‌های حقوق بشری در ایران و جهان مواجه شده است. ضمن آن که برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که اعمال چنین مجازات‌هایی تنها به گسترش فرهنگ خشونت در ایران می‌انجامد.

با این همه، مقام‌های نیروی انتظامی و قضایی در این خصوص بارها گفته‌اند که با این مانورها، میزان این گونه موارد در تهران کاهش چشمگیری یافته است.

مهران براتی بر این عقیده است که تأثیر چنین اقداماتی در جامعه محدود خواهد بود.

وی گفت: «ثابت شده است مبارزه با آن چه که مقام‌های جمهوری اسلامی، مبارزه با بزهکاری و شرارت می‌نامند، از طریق زور و مانور پیش نمی‌رود و اصولاً فرد بزه کار، شرور یا جنایتکاری پیدا نمی‌شود که با این گونه اقدامات دست از کارش بردارد.»

ایران با عفو سربازان فراری آنان را به خدمت فرا خواند



ستاد کل نیروهای مسلح ایران اعلام کرد: همه سربازانی را که تا پیش از آغاز سال جاری از خدمت سربازی فرار کرده اند را از تعقیب جزایی عفو کرده است.

موسی کمالی، مدیر مشمولان ستاد کل نیروهای مسلح، روز دوشنبه ۲۰ آبان ماه، ضمن اعلام این خبر از سربازانی که تا پایان سال ۸۶ از محل خدمت خود فرار کرده اند خواست برای انجام ادامه خدمت، خود را معرفی کنند.

بر اساس قانون نظام وظیفه عمومی ایران، سربازانی که پس از ثبت نام و ورد به یگان محل خدمت خود، از خدمت فرار کنند سرباز فراری محسوب می‌شوند و تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

به گفته موسی کمالی، با مشمولانی که خود را معرفی کنند بر اساس قانون جدید نظام وظیفه که در آن طول خدمت سربازی از ۲۱ ماه به ۱۸ ماه کاهش یافته است رفتار خواهد شد.

او افزود: «اگر برای مثال، شخصی در زمان خدمت، باید ۲۱ ماه خدمت می‌کرده و در زمان فرار، ۱۹ ماه خدمت کرده است، می‌تواند بدون این که نیاز به ادامه خدمت داشته باشد، داوطلبانه مراجعه کرده و کارت پایان خدمت دریافت کند.»

در تاریخ ۲۳ مهر ماه گذشته، ستاد کل نیروهای مسلح ایران، دوره خدمت سربازی را در مناطق عادی ۱۸ ماه، در مناطق محروم ۱۷ ماه و در مناطق عملیاتی ۱۶ ماه اعلام کرد. پیش از آن مدت خدمت سربازی در ایران در مناطق عادی، محروم و عملیاتی به ترتیب ۲۰، ۱۸ و ۱۷ ماه بود.

روز دوشنبه، ساعتی پس از اعلام این خبر، محمد جواد زاده کمند، رییس سازمان نظام وظیفه عمومی نیروی انتظامی ایران اعلام کرد: تعقیب جزایی سربازانی که در سال ۱۳۸۷ از خدمت سربازی فرار کرده اند ادامه دارد و این قانون شامل این افراد نمی‌شود.

او همچنین گفته است: در صورت مراجعه نکردن سربازان فراری به انجام ادامه خدمت و در نتیجه دستگیری آن‌ها از سوی سازمان نیروهای مسلح، سازمان قضایی نیروهای مسلح به نسبت مدت فرار از خدمت، برای افراد مذکور حکم قضایی صادر می‌کند و به همان نسبت نیز به آنان اضافه خدمت تعلق می‌گیرد.

ستاد کل نیروهای مسلح ایران، تاکنون مهلتی برای کسانی که مشمول این عفو می‌شوند اعلام نکرده و تنها از آنان خواسته است هرچه زودتر به محل خدمت خود بازگردند.

حسن قشقایی، سخنگوی وزارتخارجہ جمهوری اسلامی از مواضع باراک اوباما در مورد برنامه‌ی هسته‌ای ایران انتقاد کرد ، گفت که جمهوری اسلامی انتظار ندارد با روی کار آمدن رئیس‌جمهوری جدید، تغییراتی اساسی و استراتژیک در سیاست آمریکا در قبال ایران روی دهد.

آقای قشقایی در ارتباط با احتمال گشایش دفتر حفاظت از منافع آمریکا در تهران نیز گفت که هنوز هیچ درخواست رسمی از سوی ایالات متحده در این زمینه دریافت نشده است.

قاچاق زنان ایران، از انکار تا اقرار

DW-WORLD.DE
DEUTSCHE WELLE

سرتیپ احمد روزبهانی، فرمانده امنیت داخلی نیروی انتظامی، در مصاحبه با رادیو ایران از کشف و انهدام چندین شبکه‌ی بین‌المللی قاچاق زنان توسط پلیس ایران سخن گفت. وی همچنین افزود که تعدادی از دختران و زنان ایرانی نیز در این شبکه‌ها حضور داشته‌اند و پرونده‌ی آنان به دستگاه قضایی ارائه شده است

مقامات ایرانی سال گذشته نیز از دستگیری عده‌ای در رابطه با قاچاق زنان خبر دادند. از آنجا که شواهد نشان‌دهنده‌ی گسترده‌تر شدن قاچاق زنان در ایران است، با نسرين ستوده، وکیل و فعال حقوق زنان در این مورد گفت‌وگو کردیم. به عقیده‌ی خانم ستوده، انکار این پدیده توسط مسئولان جمهوری اسلامی یکی از مهمترین موانع در راه از میان برداشتن این مشکل اجتماعی بوده است.

دوچه‌وله: اصولاً پدیده‌ی قاچاق زنان در ایران چه پیشینه‌ای دارد؟

نسرين ستوده: قاچاق زنان و دختران که اسناد آن حتی از زمان قاجار و قبل از قاجار در ایران وجود داشته، چیزی است که از سال‌ها پیش با شروع روابط خارجی ایران در کشور آغاز شده. بنابراین ما باید با این تصور پیش بیاوریم که اتفاقی نیفتاده که این پدیده قطع بشود. این پدیده قبل از انقلاب هم در ایران وجود داشته، بعد از انقلاب هم به زندگی خودش ادامه داده. اما آن چیزی که خیلی باعث تعجب هست، این که، چگونه است که در سال‌های اخیر علی‌رغم همه‌ی گزارش‌های جرایم عمومی در باره این پدیده، ما مکرراً شاهد انکار حکومت جمهوری اسلامی بودیم. گاه صریحاً اعلام می‌شد که هرگز ایران مشکل قاچاق زنان و دختران را نداشته. بنابراین یکی از مهمترین علل، سرپوشی این قضیه بوده که در واقع باعث می‌شده که ما نتوانیم عللی برای این درد اجتماعی بیاندیشیم.

آیا همین که پیش از این، مسئولان جمهوری اسلامی وجود این پدیده را انکار می‌کردند، ولی الان خودشان دارند آن را اعلام می‌کنند، نشان‌دهنده‌ی گسترده‌تر شدن ابعاد قضیه نیست؟

بله. من هم با شما موافقم که به هر حال گسترش ابعاد این فاجعه به گونه‌ای بوده که دیگر قابل کتمان نبوده و بنابراین باز هم ما از این برخورد استقبال می‌کنیم که اعلام شود که این قضیه جنبه‌های فاجعه‌آمیزی پیدا کرده یا اساساً این پدیده در ایران موجود است و باید چاره‌ای جمعی در مورد آن بیاندیشیم. این جامعه را سوق می‌دهد تا در فکر چاره بيفتد. همیشه انکار نه تنها قضیه را حل نمی‌کند بلکه فقط به گسترش ابعاد قضیه کمک می‌کند.

دلایل اجتماعی گسترده‌تر شدن ابعاد قاچاق زنان در ایران چیست؟

دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. مثل دلایل اقتصادی، فشار بر زنان در ایران و باز هم مجدد اشاره می‌کنم به انکار این قضیه که باعث شد، ما این درد را نادیده بگیریم و اجازه بدهیم که در پیکره‌ی جامعه‌ی ایران به رشد خودش ادامه بدهد.

در ایران از نظر قانونی با زنانی که با این شبکه‌ها همکاری می‌کنند چه برخوردی می‌شود؟

می‌دانید که زنان در همه جای دنیا یکی از مظلوم‌ترین قربانیان جرایم جنسی هستند. آنها هم قربانی این جرایم هستند و هم در صورت پیگیری چنین جرایمی به عنوان مجرم مجازات می‌شوند. مصادیق همین قضیه را ما در ایران هم می‌توانیم ببینیم. اولاً وقتی قضیه‌ی تجاوز نسبت به زنان مطرح می‌شود، اثبات آن بسیار دشوار است و گاه در قبال تمام مدارکی که به دادگاه ارائه می‌شود، یک نوع مقاومت مشاهده می‌شود، از سوی دادگاه‌هایی که ریاست آن چنانکه می‌دانید بر عهده‌ی مردان است. از طرفی دیگر در موارد دیگر تجاوزات خانگی به ویژه اگر متجاوز پدر باشد باز هم با مقاومت برای مجازات مجرمین مواجه هستیم. در آن سوی سکه شما می‌بینید، اگر زنی برای پیگیری جرمی که علیه او صورت گرفته یعنی تجاوز جنسی اقدام بکند، آنچه که او اظهار می‌کند به عنوان اقرار علیه خودش باعث مجازاتش می‌شود و متجاوز یا مرتکب کافی است بیاید دادگاه و انکار کند.

بنابراین می‌بینید پیگیری این موضوع توسط قربانیان هم جز اینکه آنها را در معرض مجازات قرار بدهد، نتیجه‌ی دیگری ندارد. مجموعه‌ی این شرایط که شرایط حقوقی قضیه را تشکیل می‌دهد به انضمام مسائل اجتماعی که به آن اشاره کردیم، می‌تواند زمینه‌ساز چنین پدیده‌ای از سوی زنان باشد.

پس به نظر شما مجازات‌هایی که در حال حاضر در قانون هست نمی‌تواند این مشکل اجتماعی را ریشه‌کن کند؟

اساساً قانون ما با دیدگاه انتقام‌جویانه با جرایم برخورد می‌کند. این نوع برخورد در سیاست‌های کیفری سیاست مهجوری است. تجربه نشان داده که با سیاست انتقام‌جویانه ما نمی‌توانیم به اصلاح جامعه کمک بکنیم. آنچه که امروزه مورد توجه سیاست‌گذاران کیفری هست، آن است که سیاست‌هایی پیگیری بشود که به اصلاح مجرم و همچنین کاهش جرم در جامعه کمک بکند در حالی که این نوع برخوردها به هیچ وجه باعث کاهش جرم در جامعه نمی‌شود.

مصاحبه‌گر: فریبا والیات

تنها مطالب و مقالاتی که با نام جبهه ملی ایران - اروپا درج میشود نظرات گردانندگان سایت میباشد .